



عوامل پیدایش همدلی و همزبانی از دیدگاه قرآن و روایات

شهناز برجی^۱

چکیده

فرآیند سازش یافتگی و همدلی در زمینه ارتباط های مفید اجتماعی شکل می گیرد و به طور کلی همدلی تعاملات انسانی را انعطاف پذیر می کند. این پژوهش می کوشد با روش اسنادی-کتابخانه ای ضمن بازشناسی معانی لغوی و اصطلاحی همدلی و همزبانی، اهم عوامل پیدایش همدلی و همزبانی بین دولت و ملت را شناسایی، و هر یک از آن عوامل را از دیدگاه قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) تحلیل و توصیف کند و همچنین تاثیرات مثبت هر یک از آن عوامل را در ایجاد همدلی و همزبانی بیان نماید.

کلمات کلیدی:

همدلی، همزبانی، دولت، ملت، قرآن، روایات

۱. طلبه‌ی سطح ۲ مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران قم

طرح مسئله

این مقاله کوششی است برای معرفی کردن و تحلیل مهم ترین عوامل پیدایش همدلی و همزبانی بین دولت و ملت از منظر قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام)؛ در جهت نیل به این هدف پاسخ به چند پرسش زیر ضروری است: معنای لغوی و اصطلاحی همدلی و همزبانی چیست؟ اهمیت وجود همدلی و همزبانی در جامعه چیست؟ همدلی با همدردی چه تفاوتی دارد؟ آیا همدلی جزء صفات شخصی است یا اخلاق آموختنی؟ همدلی در لغت به معنای وفاق و یکدلی (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۳۵۳۶/۱۵)؛ دارای یک رأی و اندیشه بودن، اتحاد و صمیمیت (معین، ۱۳۸۴: ۳۵۷۹/۴) و همزبانی به معنای همدردی، زبان یکدیگر را فهمیدن (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۳۵۴۱/۱۵) می باشد. در اوایل قرن بیستم، اصطلاح همدلی را برای اولین بار لیپز^۲ در پژوهش های روانشناسی بکار برده است. (ابوالقاسمی، ۱۳۸۸: ۲۱-۹). از همدلی تعاریف زیادی شده است که در ذیل به چند مورد آن اشاره می کنیم. راجرز^۳ روان درمانگر آمریکایی در تعریف همدلی می گوید: همدلی توانایی ورود به دنیای احساس طرف مقابل است (لطفائی و زرینی، ۱۳۹۴: ۲۵۴-۲۲۹). به عقیده گلמן^۴ همدلی درک احساس دیگران است بدون آنکه از آن حرفی زده باشند (همان) و به عقیده دیماتئو^۵ همدلی عبارت است از کوشش برای هم احساسی با دیگری برای درک احساسات وی از دیدگاه خود او، به عبارت دیگر همدلی مشارکت در احساس دیگران است نه اظهار احساسات خود. (دیماتئو، ۱۳۷۸: ۴۳۹/۲). با توجه به تعاریف فوق و به زبان ساده تر، می توانیم همدلی را ورود به دنیای دیگری و قرار دادن خود به جای او و درک کردن احساسات او و توانایی انتقال و رساندن این درک به او تعریف کنیم. همزبانی در واقع به معنای بیان همدلی و به زبان آوردن آن و داشتن تفاهم است. یعنی زمانی که همدلی باشد، بیان آن و استفاده از زبان مشترک نیز ضرورت پیدا می کند و صرف همدلی بدون همزبانی کارساز نخواهد بود. ایجاد همدلی در جامعه اهمیت فراوانی دارد؛ افرادی که دارای اخلاق همدلی هستند نسبت به دیگران دارای ویژگی های مثبت اجتماعی بیشتری هستند؛ «داکمن^۶ معتقد است افرادی که قادر به همدلی هستند، بهتر می توانند وقایع اطراف خود را تفسیر و مسائل را در یک رابطه ساده تر حل کنند این ویژگی در افراد، پذیرش آنها را در محیط اجتماعی تسهیل می کند.» (عابدی و بشاش، ۱۳۹۲: ۱۱۲-۹۳). همچنین «افرادی که همدلی بیشتر و قوی تری به امور دیگران دارند، حساس تر بوده و به صورت عاطفی به آنها پاسخ داده و به طور کلی بهترین و

3. Lipps

4. Rogers

5. Golman

6. Di Matteo

7. Docmen

بیشترین کمک را فراهم می آورند.» (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۲: ۳۵۰ و ۳۴۹). «ایگان^۷ و فارست^۸ همدلی را به یک پمد تشبیه می کنند و می گویند: همدلی مثل یک پمد است که ارتباط را آسان می کند.» (لطافتی و زرینی، ۱۳۹۴: ۲۵۴-۲۲۹) همچنین در تحقیقات روانشناسی بین همدلی و رفتارهای نوع دوستانه و گرایش به یاری رساندن به دیگران در قالب رفتارهای مدنی- سازمانی؛ روابط مثبت گزارش شده است. (بنگرید به: گل پرور و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۶۲-۱۲۷). باید توجه کرد که مفهوم همدلی با همدردی تفاوت دارد، اغلب این دو مفهوم با هم اشتباه گرفته می شوند. همانطور که گفته شد همدلی عبارت است از خود را به جای دیگری گذاشتن برای درک بهتر و در نتیجه رفتاری صحیح تر؛ در حالی که همدردی سهیم شدن در احساس و رنج و ناراحتی دیگری است (بنگرید به: لطافتی و زرینی، ۱۳۹۴: ۲۵۴-۲۲۹). به عبارت دیگر «همدردی، واکنش به احساس از طریق احساس است؛ اما همدلی، واکنش به احساس با رفتار است» (Famery, 2007: 24). در اینجا سؤالی که در ذهن نقش می بندد این است که آیا همدلی جزء صفات شخصی است یا اخلاق آموختنی؟ اگر همدلی را صرفاً جزء صفات شخصی بدانیم آنگاه هیچ عاملی در ایجاد همدلی نقشی نخواهد داشت، ولی ما بر این باوریم که همدلی جزء صفات شخصی است که قابل آموختن می باشد و در صورت فراهم کردن بسترهای مناسب افزایش می یابد به عبارت دیگر همدلی ترکیبی از صفات شخصی و اخلاق آموختنی است؛ بیرامی معتقد است که: «همدلی بعنوان یک توانایی بی نظیر در ارتباط با دیگران از هنگام تولد حضور داشته و به طور افزایشی از نوزادی و کودکی تا نوجوانی متحول می شود» (بیرامی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۹۱-۲۸۰). «برخی متخصصان مانند برنسون^۹ در تحقیقات خود نشان داده اند که همدلی کیفیتی فراتر از صفات شخصی است و بنابراین می توان آنرا از طریق آموزش بدست آورد» (نورانی پور، ۱۳۷۸: ۲۶-۱۱)؛ همانطور که می بینید همدلی قابل آموختن است بنابراین در تحقیق پیش رو تلاش شده است تا اهم عوامل پیدایش همدلی و همزبانی بین دولت و ملت شناسایی، و هر یک از آن عوامل از دیدگاه قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) تحلیل و توصیف گردد، و همچنین تاثیرات مثبت هر یک از آن عوامل در ایجاد همدلی و همزبانی بیان شود. در این تحقیق از روش اسنادی- کتابخانه ای استفاده شده است. در ادامه اهم عوامل پیدایش همدلی و همزبانی بین دولت و ملت بیان می گردد.

۱- تقویت فرهنگ مدارا در ارتباطات بین دولت و ملت

8. Egan

9. Forest

10. Berenson

بدون رفق و مدارا داشتن ارتباط سالم با دیگران خیلی دشوار است، قرآن کریم نه تنها مومنین را به مدارا با هم دعوت می کند بلکه به مدارا با دشمنان هم دعوت می کند، خداوند متعال در آیه ۳۴ سوره فصلت می فرماید: «وَلَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» هرگز نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است! و در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران به پیامبر می فرماید: «از پرتو رحمت الهی در برابر آنها نرم (و مهربان) شدی و اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می شدند.» امام صادق (ع) درباره مدارا با مردم می فرماید: «خوش رفتاری و مدارا کردن با مردم یک سوم خردمندی است.» (کلینی، ۱۳۶۹: ۴ / ۴۵۷) رسول اکرم (ص) مدارا کنندگان را داناترین مردم معرفی می کند و می فرماید: «داناترین مردم کسانی هستند که با مردم مدارا کنند و استوارترین آنها کسانی می باشند که در هنگام غضب بردباری نشان دهند.» (طبرسی، ۱۳۷۴: ۲۰۵) البته مدارا کردن با مردم از سوی مسؤولین به این معنا نیست که مسؤولین در همه حال با همه ی افراد جامعه نرم خو و مهربان باشند، بلکه در برخی موارد که می تواند تأثیر مناسب داشته باشد، آسان برخورد شود و چشم پوشی و اغماض اعمال گردد، در جایی هم که لازم باشد و قانون و شرع اجازه دهد باید با افرادی که به هر نحوی نظم جامعه را برهم می زنند برخورد قاطع کنند. حضرت علی (ع) در نامه ۴۶ نهج البلاغه به مالک اشتر می فرماید: «پس در مشکلات از خدا یاری جوی و درشت خویی را با اندک نرمی بیامیز، در آنجا که مدارا کردن بهتر است مدارا کن، و در جایی که جز با درشتی کار انجام نگیرد، درشتی کن، پر و بالت را برابر رعیت بگستران، با مردم گشاده روی و فروتن باش.» (شریف الرضی، ۱۳۷۹: ۵۵۹) همانطور که پیش تر بیان کردیم همدلی ورود به دنیای دیگری و قرار دادن خود به جای او و درک کردن احساسات او می باشد اگر دولتمردان در ارتباطات خود با ملت مدارا را پیشه خود سازند و مردم هم در برخورد با اشتباهات احتمالی دولت، مدارا و سازش کنند ملت و دولت خیلی راحت تر می توانند خود را در جای یکدیگر قرار دهند و به درک بیشتری از هم دست پیدا کنند به عبارت دیگر مدارا یکی از عوامل مهم ایجاد همدلی می باشد.

۲- تقویت فرهنگ صبر و بردباری در جامعه

برخی معنای لغوی صبر را حبس به معنی خویشتن داری می دانند. (بنگرید به: طریحی، ۱۳۷۵: ۳ / ۳۵۸؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۷ / ۷۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴ / ۴۳۸) در تعریف اصطلاحی صبرمنسوب به شیخ طوسی در بحارالانوار چنین آمده است: «الصبر حبس النفس عن الجزع عند المکروه و هو یمنع الباطن عن الاضطراب و اللسان عن الشکایة و الأعضاء عن الحركات غیر المعتادة؛ صبر حفظ نفس است از بی تابی کردن در مواجهه با امور ناخوشایند و صبر درون را از اضطراب و زبان را از شکایت و اعضا را از حرکات غیرعادی منع می کند.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۸ / ۶۸) در قرآن کریم اشارات زیادی در مورد صبر شده است بعنوان نمونه: توصیه به صبر (بنگرید به: عصر / ۳؛ بلد / ۱۷)؛ یاری گرفتن از صبر (بنگرید به: بقره / ۴۵ و ۱۵۳)؛ صبر از ویژگی های متقین معرفی شده است (بنگرید به: بقره / ۱۷۷)؛ خداوند با صابران است (بنگرید به: بقره / ۱۵۳ و ۲۴۹؛ انفال / ۴۶ و ۶۶)؛ سلام فرستادن به صابران (بنگرید به: رعد / ۲۴)؛ خداوند صابران را دوست دارد (بنگرید به: آل

عمران / ۱۴۶)؛ در روایات صبر به عنوان فضیلت بسیار بزرگی معرفی شده است تا جایی که کسانی را که صبر ندارد بی ایمان توصیف می کنند. امام علی(ع) در فضیلت صبر می فرماید: «وَالصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَلَا إِيْمَانُ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ؛ صبر جزئی از ایمان است، همانند سر که جزئی از بدن است، پس کسی که صبر نداشته باشد ایمانی برایش نباشد.» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱ / ۳۱۵) امکان بروز تعارض و اختلاف در تصمیم گیری ها و همچنین در مراحل کار و اجرای قوانین در اغلب نظام های مدیریتی امری شایع است اما شتابزدگی در تصمیم گیری ها و اجرا قابل قبول نیست. پر واضح است که بدون صبر و خویشتن داری نمی توان خود را به جای طرف مقابل گذاشت و به دنیا از دریچه ی ذهنی او نگاه کرد؛ به عبارت دیگر رسیدن به همدلی و درک احساس دیگری مستلزم داشتن صبر و بردباری است.

۳- رعایت عدالت اجتماعی از سوی دولت

عدل در لغت به معانی متعدد از جمله ضد جور و حکم به حق به کار رفته است. (بنگرید به: فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲ / ۳۸ و ۳۹؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ۸ / ۶۲) از مصادیق مهم عدالت اجتماعی می توان به عدالت اقتصادی، عدالت قضایی، عدالت سیاسی و ... اشاره کرد. قرآن کریم اشارات زیادی به رعایت عدالت دارد از جمله در آیه ۲۵ سوره حدید خداوند متعال هدف از ارسال رسل و انزال کتب آسمانی را خیزش مردم برای اجرای عدالت بیان می کند و می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند...» تعیین نحوه مصارف اموال "فیء" برای جلوگیری از تجمع ثروت های جامعه در بین اغنیا (بنگرید به: حشر / ۷)؛ دستور به انفاق برای جلوگیری از تجمع ثروت میان طبقه ثروتمند و تعدیل منابع مالی کشور (بنگرید به: بقره / ۱۹۵ و ۲۵۴ و ۲۶۷؛ حدید / ۷؛ منافقون / ۱۰؛ تغابن / ۱۶)؛ تحریم ربا به منظور برقراری عدالت اقتصادی در جامعه (بنگرید به: بقره / ۲۷۸ و ۲۷۹)؛ لزوم عادل بودن شهود در دعاوی حقوقی (بنگرید به: بقره / ۲۸۲؛ مائده / ۹۵)؛ رعایت عدالت در گفتار (بنگرید به: انعام / ۱۵۲)؛ رعایت عدالت در قضاوت (بنگرید به: نساء / ۵۸)؛ که همگی بیانگر اهمیت فوق العاده ی عدالت از منظر قرآن کریم است. در نظام اقتصادی اسلام وضع مالیات به منظور جلوگیری از تجمع منابع مالی جامعه در میان عده ای خاص، یکی از مؤثرترین طرق برقراری عدالت اقتصادی محسوب می گردد. معصومین علیهم السلام به عنوان رهبران جامعه ی اسلامی، همواره عدالت را رعایت و نیز مردم را به رعایت آن، امر و تشویق می کردند؛ پیامبر(ص) درباره اهمیت اجرای عدالت می فرماید: «عَدْلٌ سَاعَةٌ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً قِيَامٌ لَيْلُهَا وَصِيَامٌ نَهَارُهَا؛ یک ساعت به عدالت رفتار کردن، از هفتاد سال عبادتی که در روزهای آن روزه و در شب های آن احیا داشته باشید بهتر است.» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۱ / ۳۱۷) و مولا علی (ع) عدل حاکم جامعه را مایه ی حیات و صلاح مردم معرفی می کند و می فرماید: «عَدْلُ السُّلْطَانِ حَيَاةُ الرَّعِيَّةِ وَصَلَاحُ الْبَرِيَّةِ؛ عدل حاکم موجب حیات و صلاح مردم می شود.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۴۶۶) و در نامه ۵۳ نهج البلاغه، حضرت یکی از فواید گسترش عدالت را همکاری و همراهی مردم با دولت بر می شمرد و می فرماید: «از گسترش عدالت میان مردم خشنود خواهی شد، و به افزایش قوت آنان تکیه خواهی کرد، بدانچه در نزدشان اندوختی و به آنان بخشیدی، و با گسترش

عدالت در بین مردم، و مهربانی با رعیت، به آنان اطمینان خواهی داشت، آنگاه اگر در آینده کاری پیش آید و به عهده‌شان بگذاری، با شادمانی خواهند پذیرفت.» (شریف الرضی، ۱۳۷۹: ۵۷۹) و در جایی دیگر حضرت علی (ع) عدل را عامل همدلی می‌داند و می‌فرماید: «أعدل مألوف» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۷) در جامعه‌ی عدالت محوری که همه‌ی افراد جامعه از منابع و امکانات به صورت عادلانه برخوردار می‌شوند و تبعیض در آن راهی ندارد، طبعاً بین افراد مختلف جامعه همدلی و الفت ایجاد خواهد شد، بی شک یکی از عوامل مهم پیدایش همدلی و همزبانی در جامعه رعایت عدالت اجتماعی از سوی دولت می‌باشد.

۴- تقویت روحیه‌ی قانون‌گروی در جامعه

قانون همواره و در طول تاریخ مورد توجه بشر بوده است و نقش بسیار مهمی در اداره‌ی حکومت‌ها داشته است در این میان انبیا الهی جزء قانون‌مندترین افراد بشر بوده‌اند و همیشه خود را ملزم به رعایت قوانین الهی می‌دانستند، خداوند در قرآن کریم مسلمانان را به رعایت قوانین و حدود الهی امر می‌کند و کسانی را که از قوانین الهی تخلف می‌کنند، تهدید به عذاب می‌کند. (بنگرید به: بقره / ۱۸۷ و ۲۲۹؛ نساء / ۱۴) و در آیات دیگر همه را به اطاعت از رسول الله (که در واقع به معنای اطاعت از قوانینی است که پیامبر (ص) وضع می‌کند) امر می‌کند. (بنگرید به: آل عمران / ۳۲ و ۱۳۲؛ نساء / ۵۹؛ مائده / ۹۲؛ انفال / ۱ و ۲۰ و ۴۶؛ نور / ۵۴ و ۵۶؛ محمد / ۳۳؛ مجادله / ۱۳؛ تغابن / ۱۲) با نگاه به زندگی معصومین علیهم السلام می‌بینیم که این بزرگواران توجه بسیار زیادی به رعایت قوانین می‌کردند؛ پیامبر (ص) در اجرای قوانین الهی بسیار دقیق بودند، به عنوان نمونه امام باقر (ع) می‌فرماید: «امّ سلمه همسر پیامبر (ص) کنیزی داشت که از مردی سرقت کرد. او را نزد پیامبر (ص) آوردند. امّ سلمه درباره کنیز با پیامبر (ص) صحبت کرد. پیامبر (ص) فرمود: ای امّ سلمه، این حدّی از حدود خداوند عزوجل است و نباید ضایع شود. پس از آن، پیامبر (ص) دست آن کنیز را قطع کرد.» (بروجردی، ۱۳۸۶: ۳۰ / ۵۳۹) ماجرای حکم کردن شریح قاضی علیه حضرت علی (ع) به عنوان خلیفه وقت بخاطر نداشتن دو شاهد و برنده شدن مرد مسیحی در دادگاه، یکی از نمونه‌های فوق‌العاده‌ی قانون‌پذیری و قانون‌گروی در تاریخ بشری است. (بنگرید به: ثقفی، ۱۳۹۵: ۲ / ۷۲۲) نمونه‌ی دیگر قانون‌گروی حضرت علی (ع)، ماجرای گردنبندی است که حضرت زینب (س) برای روز عید به امانت گرفته بود امیرالمومنین (ع) در باره‌ی این موضوع می‌فرماید: «...لَوْ كَانَتْ ابْنَتِي أَخَذَتْ هَذَا الْعِقْدَ عَلَى غَيْرِ عَارِيَةٍ مَضْمُونَةٍ لَكَانَتْ إِذَا أَوَّلَ هَاشِمِيَةٍ قُطِعَتْ يَدُهَا عَلَى سَرَقَةٍ...» اگر آنچه دخترم به امانت از بیت المال گرفته، شرط ضمان در آن نبود نخستین حد سرقت را در بنی‌هاشم بر او اجرا می‌کردم.» (ابن شهر آشوب مازندران، ۱۳۷۹: ۲ / ۱۰۸) پر مسلم است وقتی که مسؤولان ارشد یک جامعه افراد قانون‌پذیری باشند روحیه‌ی قانون‌گروی بین افراد آن جامعه شکل خواهد گرفت، حضرت علی (ع) درباره‌ی میزان تاثیر پذیری افراد جامعه از مسؤولان ارشد حکومتی می‌فرماید: «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشَبَّهَ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ؛ مردم به فرمانروایان بیشتر شباهت دارند تا به پدران.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۰۸) امام خمینی (ره) قانون‌گروی را عامل رفع اختلافات جامعه معرفی می‌کند و می‌فرماید: «اگر همه اشخاصی که در کشورمان هستند و همه گروه‌هایی که در کشور هستند و همه نهادهایی که در تمام کشور هستند به قانون خاضع بشویم و قانون را محترم بشمریم، هیچ اختلافی پیش نخواهد آمد...» (خمینی، بی تا: ۱۴ / ۴۱۴) اگر احاد افراد یک

جامعه خصوصاً مسؤولان ارشد نسبت به قانون خاضع باشند و همه در برابر قانون سر تسلیم فرود آورند قطعاً اختلافات در جامعه به حداقل می رسد و جای خود را به وحدت، همدلی و همبستگی خواهد داد، بنابراین قانون‌گروی افراد جامعه اعم از مردم و دولتمردان را می‌توان یکی از عوامل مهم پیدایش همدلی و هم‌زبانی در یک جامعه عنوان کرد.

۵- تقویت حسن ظن در ارتباطات بین دولت و ملت

شیخ کلینی در تعریف حسن ظن می‌فرماید: «حسن ظن به معنی خوش‌بینی و گمان نیک است در برابر سوءظن که به معنی بدبینی و بدگمانی است.» (کلینی، ۱۳۶۹: ۳ / ۱۱۴) حسن ظن نسبت به خود، خدا و دیگران محقق می‌شود، نوع اول ناپسند است زیرا طبق آموزه‌های اخلاقی دین، مؤمن باید نسبت به نفس خود سوءظن داشته باشد و همواره نفس خود را مؤاخذه نماید اما دو نوع دیگر بسیار پسندیده، و جزء فضائل اخلاقی محسوب می‌شوند، امام صادق (ع) در تعریف حسن ظن به خداوند متعال می‌فرماید: «حسن ظن به خدا اینست که: بغیر خدا امیدوار نباشی و جز از گناهت نترسی.» (همان: ۳ / ۱۱۶) و همچنین امام رضا (ع) درباره اهمیت حسن ظن به خدا می‌فرماید: «به خدا حسن ظن داشته باشید، زیرا خداوند متعال می‌فرماید که: من مطابق ظن بنده‌ام، در باره‌اش عمل می‌کنم، اگر ظنش به من خوب باشد برای او خیر به وجود می‌آورد و اگر بد باشد بد.» (شیخ حر عاملی، ۱۳۸۰: ۷۰۰) قرآن کریم در داستان «إفک» به مؤمنین تذکر می‌دهد که چرا در این ماجرا حسن ظن نداشته‌اند و می‌فرماید: «لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ، چرا هنگامی که این (تهمت) را شنیدید، مردان و زنان با ایمان نسبت به خود (و کسی که همچون خود آنها بود) گمان خیر نبردند و نگفتند این دروغی بزرگ و آشکار است؟!» (نور / ۱۲) و در آیه دیگر آنها را از تکرار چنین سوءظنی بر حذر می‌دارد و می‌فرماید: «يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ خداوند شما را اندرز می‌دهد که هرگز چنین کاری را تکرار نکنید اگر ایمان دارید!» (نور / ۱۷) حضرت علی (ع) حسن ظن افراد جامعه نسبت به همدیگر را آرامش دهنده دلها معرفی می‌کند و می‌فرماید: «حُسْنُ الظَّنِّ رَاحَةُ الْقَلْبِ وَ سَلَامَةُ الدِّينِ؛ حسن ظن مایه آرامش قلب و سلامت دین است.» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰: ۳۴۴) حضرت در جای دیگر حسن ظن را عامل جلب محبت می‌داند و می‌فرماید: «مَنْ حَسَنَ ظَنَّهُ بِالنَّاسِ حَازَ مِنْهُمْ الْمَحَبَّةَ؛ کسی که نسبت به مردم خوش گمان باشد محبت آنها را به سوی خود جلب خواهد کرد» (همان: ۶۴۱) حضرت امام خمینی (ره) درباره حسن ظن افراد جامعه نسبت به هم می‌فرماید: «باید به دیگران ما حسن ظن داشته باشیم و اعمالشان را حمل بر صحت کنیم.» (خمینی، بی تا: ۱۸ / ۱۷). همانطور که پیش تر گفتیم همدلی درک احساس دیگران و ورود به دنیای آنها می‌باشد، اگر مردم با حسن ظن خود را در جای دولتمردان قرار دهند و دولت هم در درک احساسات مردم حسن ظن داشته باشد. همدلی اتفاق می‌افتد، اگر درک احساس دیگران همراه با حسن ظن نباشد دیگر نمی‌توان به آن همدلی گفت. بنابراین حسن ظن یکی از عوامل مهم ایجاد همدلی می‌باشد.

۶- تقویت روحیه ساده‌زیستی در بین دولتمردان

از ویژگی‌های شخص ساده زیست می‌توان به آسان زیستن و خود را گرفتار سختی‌های تشریفات نکردن اشاره کرد، باید توجه نمود که ساده زیستی به معنای گوشه نشینی و ترک لذت‌های حلال دنیا نیست، پیامبر (ص) خطاب به افرادی که رهبانیت اختیار کرده بودند و زندگی را برای خود و خانواده‌هایشان سخت کرده بودند، فرمودند: «گروهی را چه شده است که زن و بوی خوش و خواب و لذت‌های دنیا را حرام می‌کنند. آگاه باشید که من به شما دستور ندادم راهب باشید. همانا ترک گوشت و زنان و صومعه نشینی از آیین من نیست.» (بروجردی، ۱۳۸۶: ۲۴ / ۸۰۳) از دیگر ویژگی‌های شخص ساده زیست کم هزینه بودن می‌باشد، امام صادق (ع) کم هزینه بودن را از صفات انسان مؤمن می‌داند و می‌فرماید: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ خَفِيفُ الْمَتُونَةِ؛ همانا مؤمن کم هزینه است» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲ / ۵۸) حضرت علی (ع) پس از شهادت زید بن صوحان در جنگ جمل بر بالین وی آمد و فرمودند: «رَحِمَكَ اللَّهُ يَا زَيْدٌ قَدْ كُنْتَ خَفِيفَ الْمَتُونَةِ عَظِيمَ الْمَعُونَةِ؛ خداوند ترا رحمت کند! چه یاری کم هزینه و پر ثمری بودی» (بن بابویه، ۱۳۷۲: ۲ / ۵۱۵) از دیگر ویژگی‌های شخص ساده زیست می‌توان دوری از تجمل‌گرایی افراطی و بی‌تکلف بودن در گفتار و رفتار، و برقراری ارتباط آسان با مردم اشاره کرد. با توجه به آنچه گفته شد، روشن گردید که ساده زیستی منافاتی با آراستگی متعادل و استفاده منطقی کردن از امکانات زندگی ندارد بلکه قرآن کریم انسان‌ها را به استفاده از زینت‌ها در حد متعادل سفارش می‌کند و می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ ... ای فرزندان آدم، زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید...» (اعراف / ۳۱) مؤلف محترم تفسیر نمونه در تفسیر واژه "زینت" می‌فرماید: «این جمله می‌تواند هم اشاره به "زینت‌های جسمانی" باشد که شامل پوشیدن لباس‌های مرتب و پاک و تمیز، و شانه زدن موها، و به کار بردن عطر و ماندن آن می‌شود، و هم شامل "زینت‌های معنوی"، یعنی صفات انسانی و ملکات اخلاقی و پاکی نیت و اخلاص.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶ / ۱۴۸) پیامبران الهی همواره الگوهای برتر ساده زیستی در طول تاریخ بشری بوده‌اند (بن‌گريد به: خطبه ۱۶۰ نهج البلاغه) حضرت علی (ع) ساده زیستی پیامبر گرامی اسلام (ص) را در خطبه ۱۶۰ نهج البلاغه اینچنین وصف فرمودند: «همانا پیامبر (که درود خدا بر او باد) بر روی زمین می‌نشست و غذا می‌خورد، و چون برده، ساده می‌نشست، و با دست خود کفش خود را وصله می‌زد، و جامه خود را با دست خود می‌دوخت، و بر الاغ برهنه می‌نشست، و دیگری را پشت سر خویش سوار می‌کرد.» (شریف الرضی، ۱۳۷۹: ۳۰۱) با نگاهی به سیره عملی ائمه اطهار (علیهم السلام) می‌بینیم که این بزرگواران همواره ساده زیست بوده‌اند و در عین دارایی همچون افراد فقیر زندگی می‌کردند، حضرت علی (ع) در نامه ۳ نهج البلاغه شریح قاضی را بخاطر خرید خانه‌ای به هشتاد دینار سرزنش نمود و به یاد قیامت انداخت (بن‌گريد به: همان: ۴۸۳) و در نامه ۴۵ نهج البلاغه عثمان بن حنیف انصاری، فرماندار بصره را بخاطر حاضر شدن بر سفره‌ای تجملی ملامت نمودند و گوشه‌ای از زندگی ساده خود را متذکر شدند و فرمودند: «آگاه باش! امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده، و دو قرص نان رضایت داده است، بدانید که شما توانایی چنین کاری را ندارید اما با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی، مرا یاری دهید.» (همان: ۵۵۳) امام خمینی (ره) که خود یکی از بزرگترین الگوهای ساده زیستی در قرن اخیر بودند در اهمیت ساده زیستن می‌فرماید: «اگر بخواهید بی‌خوف و هراس در مقابل باطل بایستید و از حق دفاع کنید و ابر قدرت‌ان و سلاح‌های پیشرفته آنان و شیاطین و توطئه‌های آنان در روح شما اثر نگذارد و شما را از میدان به در نکند، خود را به ساده زیستن عادت دهید.» (خمینی، بی تا: ۱۸ / ۴۷۱) هر چه زندگی دولتمردان به اقشار پایین جامعه نزدیکتر باشد

راحت تر می توانند خود را به جای مردم بگذارند و دنیای آنها را احساس و درک کنند. پس در مسولان ساده زیست همدلی عمیق تری با مردم به وجود می آید. مسلم است کسی که زندگی اشرافی دارد و در ناز و نعمت زندگی می کند نمی تواند احساسات افراد فقیر را درک کند.

۷- تقویت حُسن خُلق در ارتباطات بین دولت و ملت

خُلق در لغت خوی و طبع و به معنای صورت درونی و باطنی انسان می باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۰ / ۸۷) راغب درباره تفاوت خُلق و خُلُق می گوید: «خُلُق و خُلُق - در اصل یکی است ولی کلمه "خُلُق" مخصوص اشکال و اجسام و صورتهایی است که با حواس درک می شود و "خُلُق" ویژه قوا و سجایایی است که با فطرت و دید دل درک می شود. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۱ / ۶۳۵). در روایت ذیل امام صادق (ع) نرم خویی، خوش گوئی و خوشرویی را از مصادیق حُسن خُلُق بیان می کند: «وَسُئِلَ الصَّادِقُ (ع) مَا حَدُّ حُسْنِ الْخُلُقِ قَالَ تَلِينَ جَانِبِكَ وَ تَطْيِبُ كَلَامَكَ وَ تَلْقَى أَخَاكَ بِبِشْرِ حَسَنٍ؛ از امام صادق (ع) پرسیدند که اندازه خوش خلقی چیست؟ فرمود: نرمش کنی و خوش سخن باشی و با برادرت با خوشروئی برخورد کنی.» (العروسی الحویزی، ۱۴۱۵: ۵ / ۳۹۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۴ / ۴۲۸) ایشان در حدیث دیگری شوخ طبعی را از مصادیق حُسن خُلُق بیان می کند و می فرماید: «...فَإِنَّ الْمَدَاعِبَةَ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ...؛ همانا شوخی کردن از حُسن خُلُق است...» (مجلسی، ۱۴۰۶: ۲ / ۶۸۰) در قرآن کریم واژه حُسن خُلُق بکار نرفته است اما مصادیق حُسن خُلُق (که در بالا چند مورد ذکر گردید) فراوان بکار رفته است. رسول خدا (ص) درباره ثواب حُسن خُلُق می فرماید: «روز قیامت در ترازوی کسی چیزی بهتر از حُسن خُلُق گذاشته نمی شود.» (کلینی، ۱۳۶۹: ۳ / ۱۵۶ و ۱۵۷) رسول گرامی اسلام (ص) حُسن خُلُق را عامل تثبیت کننده مؤدت و دوستی معرفی می کند و می فرماید: «حُسْنُ الْخُلُقِ يُثْبِتُ الْمَوَدَّةَ.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۵) و حضرت علی (ع) حُسن خُلُق را بهترین عامل همدلی می داند و می فرماید: «چهره باز رشته محبت را محکم می کند و شخص را به طرف آدمی می کشاند، تحمل عیبها را می پوشاند و چیزی به اندازه حُسن خُلُق انسانها را به هم نزدیک نمی کند.» (طبرسی، ۱۳۷۴: ۲۰۹) اگر در بین افراد یک جامعه حُسن خُلُق رواج پیدا کند و همگان خود را ملزم به خوش خلقی بکنند، قطعاً بین آنها دوستی پایدار شکل می گیرد، و به تبع آن، افراد جامعه درک عمیق تری نسبت به هم پیدا می کنند.

۸- رسیدگی شخصی دولتمردان ارشد به امور مردم

پیامبر گرامی اسلام به عنوان بالاترین مقام حکومت اسلامی همواره در میان مردم حضور داشتند و شخصاً به امورات مردم رسیدگی می کردند حضرت علی (ع) درباره روش زندگی پیامبر (ص) می فرماید: «اوقات خود را به سه بخش تنظیم می نمود، یک بخش عبادت خداوند عزّ و جلّ، و بخش دیگر رسیدگی به امور خانواده خویش، و قسمت سوّم کارهای شخصی و استراحت، سپس زمان مخصوص به خود را به دو بخش، یکی برای امور شخصی خود، و دیگری برای ملاقات عمومی مردم، تقسیم می فرمود. ابتدا خواص خود و اهل فضل را می پذیرفت و سپس عامّه مردم را، و چیزی را از آنان دریغ

نمی‌داشت. برخی از آنان یک نیاز داشتند و برخی دو نیاز و پاره‌ای چندین نیاز، که ایشان به همه آن امور رسیدگی می‌نمود.» (ابن بابویه، ۱۳۷۷: ۱ / ۱۹۳ و ۱۹۴) با نگاه به زندگی چهارده معصوم علیهم السلام می‌بینیم که این بزرگواران همواره شخصاً در پی برآورده کردن حاجات مردم بوده‌اند به عنوان نمونه: کمک شبانه ائمه به فقرا، باغها و چشمه‌هایی که حضرت علی (ع) پس از احداث وقف می‌کردند. (بنگرید به: طوسی، ۱۴۰۷: ۹ / ۱۴۶ و ۱۴۸)؛ درباره رسیدگی حضرت علی (ع) به احوالات مردم در روایات آمده است: «امیرالمؤمنین (ع) در ایام خلافت در کوفه هر روز اول صبح به بازار می‌رفت و گذر به گذر سرکشی می‌کرد و تازیانه‌ای همراه داشت که دارای دو سر بود و به آن سبیه می‌گفتند.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳ / ۱۹۳) پیامبر (ص) درباره خدمتگزاری و کمک به دیگران می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي عَوْنِ الْمُؤْمِنِ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ؛ اگر می‌خواهید خدا به شما کمک کند شما هم کمک مردم باشید.» (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۱۳۵) همچنین امام صادق (ع) درباره کسی که در فکر خدمت به دیگران است می‌فرماید: «مَنْ كَانَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ الْمُسْلِمِ، كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ مَا كَانَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ؛ کسی که در فکر بر آوردن نیاز برادر مؤمن مسلمان خود باشد تا زمانی که در فکر نیاز او هست، خداوند نیز در (فکر) نیاز وی باشد (نیازش را برطرف می‌کند).» (طوسی، ۱۴۱۴: ۹۷) امام علی (ع) درباره اهمیت رسیدگی شخصی مسئولان به کارهای مردم می‌فرماید: «هر کس کارهای مسلمانان را به عهده گیرد و در خانه خود را روی آنها ببندد و مردم را از خود دور کند، مورد خشم و غضب خداوند قرار می‌گیرد مگر اینکه در خانه‌اش را باز کند و به اوضاع و احوال مردم رسیدگی نماید، و احتیاج آنها را رفع کند.» (طبرسی، ۱۳۷۴: ۲۹۷) همچنین حضرت در نامه ۶۷ نهج‌البلاغه به فرماندار شهر مکه "قثم بن عباس" درباره اهمیت این موضوع برای دولتمردان می‌فرماید: «در بامداد و شامگاه در یک مجلس عمومی با مردم بنشین، جز زبانت چیز دیگری پیام رسانت با مردم، و جز چهره‌ات درباری وجود نداشته باشد.» (شریف الرضی، ۱۳۷۹: ۶۰۹) و در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه، به مالک اشتر می‌فرماید: «پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند، تا شخصا به امور آنان رسیدگی کنی، و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش، و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفتگو کند.» (همان: ۵۸۳) و در ادامه همین نامه مالک اشتر را از ترک رسیدگی شخصی به امور مردم و پنهان شدن از مردم نهی می‌کند و می‌فرماید: «هیچ گاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار، که پنهان بودن رهبران، نمونه‌ای از تنگ خویی و کم اطلاعی در امور جامعه می‌باشد. پنهان شدن از رعیت، زمامداران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است باز می‌دارد، پس کار بزرگ، اندک، و کار اندک بزرگ جلوه می‌کند، زیبا زشت، و زشت زیبا می‌نماید، و باطل به لباس حق در آید.» (همان: ۵۸۵) رسیدگی شخصی دولتمردان ارشد به امور مردم نه تنها از شأن آنها نمی‌کاهد بلکه نشانه بزرگ منشی آنهاست. پیامبر (ص) درباره خادمان جامعه می‌فرماید: «سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ؛ آقای کسان خدمتگزارشان است.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴ / ۳۷۸). اگر دولتمردان ارشد با اقشار مختلف جامعه ارتباط برقرار کنند و فرصت مناسبی را فراهم آورند تا مردم بدون اضطراب؛ مشکلات و خواسته‌هایشان را بیان کنند بهتر می‌توانند مشکلات مردم را لمس و احساسات آنها را درک کنند و همانطور که پیش تر گفته شد همدلی درک احساسات دیگران و ورود به دنیای آنها می‌باشد.

۹- افزایش امنیت در جامعه

امنیت به معنای آرامش خاطر است. (بستانی، ۱۳۷۵: ۱۳۴) واژه امنیت در قرآن بکار نرفته است اما ریشه‌ی آن که برگرفته از واژه امن است زیاد بکار رفته است. (بنگرید به: بقره / ۱۲۵ و ۱۲۶؛ نساء / ۹۱؛ یوسف / ۹۹؛ ابراهیم / ۳۵؛ نحل / ۱۱۲؛ نور / ۵۵؛ شعراء / ۱۴۶؛ قصص / ۵۷؛ تین / ۳؛ قریش / ۴؛ فتح / ۲۷؛ عنکبوت / ۶۷) از منظر قرآن کریم منشا امنیت خداوند متعال است، در آیه ۲۳ سوره حشر یکی از اسماء خداوند را مؤمن (ایمنی بخش) معرفی می‌کند و حضرت ابراهیم (ع) هنگام بنای کعبه دست به دعا برمی‌دارد و از خداوند نعمت امنیت را برای سرزمین مکه طلب می‌کند (بنگرید به: ابراهیم / ۳۵) و در آیه ۵۵ سوره نور هدف از حکومت اهل ایمان، استقرار دین الهی در زمین و رسیدن به توحید و امنیت کامل معرفی می‌شود. (بنگرید به: قرائتی، ۱۳۸۳: ۶ / ۲۰۷) و در آیه ۳۳ سوره مائده برای آنان که امنیت جامعه را بر هم می‌زنند، سخت‌ترین مجازات در نظر گرفته شده است، همه‌ی این موارد اهمیت فوق‌العاده‌ی امنیت را از دیدگاه قرآن کریم می‌رساند. پیامبر (ص) درباره اهمیت امنیت در جامعه می‌فرماید: «لَا خَيْرَ... فِي الْوَطَنِ إِلَّا مَعَ الْأَمْنِ وَالسُّرُورِ...؛ وطنی که امنیت و شادی در آن نیست، خیری در آن نیست و ارزشی ندارد.» (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۳ / ۶۲۱) حضرت علی (ع) شهر بدون امنیت را بدترین شهرها معرفی می‌کند و می‌فرماید: «شَرُّ الْبِلَادِ بَلَدٌ لَا أَمْنَ فِيهِ...؛ بدترین شهرها شهری است که امنیت ندارد...» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۲۹۴) و در جای دیگر امنیت را گوارا ترین نعمت معرفی می‌کند و می‌فرماید: «لا نعمةُ أهنأ من الأمن؛ نیست نعمتی گواراتر از امنیت.» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰: ۷۹۳) ایشان در خطبه ۱۳۱ نهج‌البلاغه، تأمین امنیت جامعه اسلامی را یکی از فلسفه‌های تشکیل حکومت اسلامی معرفی می‌کند و می‌فرماید: «خدا یا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش باز گردانیم، و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ات در أمن و امان زندگی کنند، و قوانین و مقررات فراموش شده تو باردیگر اجراء گردد.» (شریف الرضی، ۱۳۷۹: ۲۴۹) اگر در یک جامعه امنیت در تمام سطوح اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، قضایی و... در حد بالایی برقرار نباشد، نظم عمومی جامعه برهم می‌خورد و به تبع آن حقوق شهروندی لگدمال می‌گردد و اعتماد مردم به حکومت از بین می‌رود در چنین فضایی ایجاد دوستی و همدلی سخت می‌گردد؛ برقراری امنیت در جامعه نه تنها عامل مهم ایجاد همدلی بلکه بستر و زمینه ایجاد همدلی است، یعنی اگر تمام عوامل ایجاد همدلی وجود داشته باشد ولی جامعه از امنیت کافی برخوردار نباشد، رسیدن به همدلی و هم‌زبانی تقریباً غیرممکن می‌گردد، هر چه امنیت جامعه در سطح بالاتری قرار داشته باشد اعتماد مردم به دولت افزایش می‌یابد و به تبع آن محبت و همدلی بین ملت و دولت افزایش می‌یابد، بنابراین افزایش امنیت در جامعه را می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد همدلی و هم‌زبانی عنوان کرد.

نتیجه گیری

فرآیند سازش یافتگی و همدلی در زمینه ارتباط های مفید اجتماعی شکل می‌گیرد و به طور کلی همدلی تعاملات انسانی را انعطاف پذیر می‌کند. همدلی در لغت به معنای وفاق و یکدلی، دارای یک رأی و اندیشه بودن، اتحاد و

صمیمیت؛ و همزبانی به معنای همدردی، زبان یکدیگر را فهمیدن می باشد. همدلی در اصطلاح به معنای ورود به دنیای دیگری و قرار دادن خود به جای او و درک کردن احساسات او و توانایی انتقال و رساندن این درک به او می باشد. همزبانی در واقع به معنای بیان همدلی و به زبان آوردن آن و داشتن تفاهم است. یعنی زمانی که همدلی باشد، بیان آن و استفاده از زبان مشترک نیز ضرورت پیدا می کند و صرف همدلی بدون همزبانی کارساز نخواهد بود. ایجاد همدلی در جامعه اهمیت فراوانی دارد؛ افرادی که دارای اخلاق همدلی هستند نسبت به دیگران دارای ویژگی های مثبت اجتماعی بیشتری هستند. باید توجه کرد که مفهوم همدلی با همدردی تفاوت دارد، اغلب این دو مفهوم با هم اشتباه گرفته می شوند. همانطور که گفته شد همدلی عبارت است از خود را به جای دیگری گذاشتن برای درک بهتر و در نتیجه رفتاری صحیح تر؛ در حالی که همدردی سهیم شدن در احساس و رنج و ناراحتی دیگری است. اگر همدلی را صرفاً جزء صفات شخصی بدانیم آنگاه هیچ عاملی در ایجاد همدلی نقشی نخواهد داشت، ولی ما بر این باوریم که همدلی جزء صفات شخصی است که قابل آموختن می باشد و در صورت فراهم کردن بستر های مناسب افزایش می یابد به عبارت دیگر همدلی ترکیبی از صفات شخصی و اخلاق آموختنی است؛ ما در این پژوهش با روش اسنادی-کتابخانه ای اهم عوامل پیدایش همدلی و همزبانی بین دولت و ملت را از منظر قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) مورد واکاوی قرار دادیم؛ این عوامل عبارتند از: ۱- تقویت فرهنگ مدارا در ارتباطات بین دولت و ملت: اگر دولتمردان در ارتباطات خود با ملت مدارا را پیشه خود سازند و مردم هم در برخورد با اشتباهات احتمالی دولت، مدارا و سازش کنند ملت و دولت خیلی راحت تر می توانند خود را در جای یکدیگر قرار دهند و به درک بیشتری از هم دست پیدا کنند. ۲- تقویت فرهنگ صبر و بردباری در جامعه: امکان بروز تعارض و اختلاف در تصمیم گیری ها و همچنین در مراحل کار و اجرای قوانین در اغلب نظام های مدیریتی امری شایع است اما شتابزدگی در تصمیم گیری و اجرا قابل قبول نیست. پر واضح است که بدون صبر و خویشتن داری نمی توان خود را به جای طرف مقابل گذاشت و به دنیا از دریچه ی ذهنی او نگاه کرد؛ به عبارت دیگر رسیدن به همدلی و درک احساس دیگری مستلزم داشتن صبر و بردباری است. ۳- رعایت عدالت اجتماعی از سوی دولت: در جامعه ی عدالت محوری که همه ی افراد جامعه از منابع و امکانات به صورت عادلانه برخوردار می شوند و تبعیض در آن راهی ندارد، طبعا بین افراد مختلف جامعه همدلی و الفت ایجاد خواهد شد. ۴- تقویت روحیه ی قانون گروی در جامعه: اگر آحاد افراد یک جامعه خصوصاً مسؤلان ارشد نسبت به قانون خاضع باشند و همه در برابر قانون سر تسلیم فرود آورند قطعاً اختلافات در جامعه به حداقل می رسد و جای خود را به وحدت، همدلی و همبستگی خواهد داد. ۵- تقویت حسن ظن در ارتباطات بین دولت و ملت: اگر مردم با حسن ظن خود را در جای دولتمردان قرار دهند و دولت هم در درک احساسات مردم حسن ظن داشته باشد. همدلی اتفاق می افتد، درک احساس دیگران با سوء ظن را نمی توان همدلی دانست. ۶- تقویت روحیه ساده زیستی در بین دولتمردان: هر چه زندگی دولتمردان به اقشار پایین جامعه نزدیکتر باشد راحت تر می توانند خود را به جای مردم بگذارند و دنیای آنها را احساس؛ و درک کنند مسلماً در مسؤلان ساده زیست همدلی عمیق تری با مردم به وجود می آید. ۷- تقویت حسن خلق در ارتباطات بین دولت و ملت: اگر در بین افراد یک جامعه حسن خلق رواج پیدا کند و همگان خود را ملزم به خوش خلقی بکنند، قطعاً بین آنها دوستی پایدار شکل می گیرد و به تبع آن، افراد جامعه درک عمیق تری نسبت به هم پیدا می کنند. ۸- رسیدگی شخصی دولتمردان ارشد به امور مردم: اگر



دولتمردان ارشد با اقشار مختلف جامعه ارتباط برقرار کنند و فرصت مناسبی را فراهم آورند تا مردم بدون اضطراب؛ مشکلات و خواسته‌هایشان را بیان کنند بهتر می‌توانند مشکلات مردم را لمس و احساسات آنها را درک کنند و همانطور که پیش‌تر گفته شد همدلی درک احساسات دیگران و ورود به دنیای آنها می‌باشد. ۹- افزایش امنیت در جامعه: برقراری امنیت در جامعه نه تنها عامل مهم ایجاد همدلی بلکه بستر و زمینه ایجاد همدلی است، یعنی اگر تمام عوامل ایجاد همدلی وجود داشته باشد ولی جامعه از امنیت کافی برخوردار نباشد، رسیدن به همدلی و هم‌زبانی تقریباً غیرممکن می‌گردد، هر چه امنیت جامعه در سطح بالاتری قرار داشته باشد اعتماد مردم به دولت افزایش می‌یابد و به تبع آن محبت و همدلی بین ملت و دولت افزایش می‌یابد.

منابع و مأخذ:

۱. قرآن کریم (ترجمه مکارم شیرازی، ناصر)

۲. ابن‌ادریس، محمد بن احمد، ۱۴۱۰ق، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (والمستطرفات)، تصحیح ابوالحسن ابن‌مسیح و حسن بن احمد الموسوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۲.

۳. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۰۶ق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دار الشریف الرضی للنشر، چ ۲.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۲ش، الخصال، قم، جامعه مدرسین، چ ۱.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۲ش، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ترجمه حمید رضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، چ ۱.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۷ش، معانی الأخبار، ترجمه عبد العلی محمدی شاهرودی، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چ ۲.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، من لا یحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۲.
۸. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، تحف العقول عن آل الرسول، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چ ۲.
۹. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۷۹ق، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم، علامه، چ ۱.
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، دارصادر، چ ۳.
۱۱. ابوالقاسمی، عباس، ۱۳۸۸ش، «اعتباریابی و روایی مقیاس بهره همدلی برای دانش آموزان دبیرستانی»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات روانشناختی، شماره ۲۱، صفحات ۲۱-۹، تهران، دانشگاه الزهراء.
۱۲. آذربایجانی، مسعود و همکاران، ۱۳۸۲ش، روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، تهران، انتشارات سمت.
۱۳. بروجردی، حسین، ۱۳۸۶ق، منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعه)، ترجمه عده ای از فضلاء، تهران، انتشارات فرهنگ سبز، چ ۱.
۱۴. بستانی، فواد افرام، ۱۳۷۵ش، فرهنگ ابجدی، تهران، اسلامی، چ ۲.
۱۵. بیرامی، منصور و محسن؛ جعفری، داود، ۱۳۹۳ش، «رابطه بین مؤلفه های همدلی با شادکامی در جمعیت دانشجویی»، فصلنامه علمی پژوهشی روانشناسی، شماره ۳، صفحات ۲۹۱-۲۸۰، تهران، انجمن ایرانی روانشناسی.
۱۶. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دار الکتب الإسلامی، چ ۲.



۱۷. ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، ۱۳۹۵ق، الغارات، تصحیح جلال الدین محدث، تهران، انجمن آثار ملی، چ ۱.

۱۸. خمینی، روح الله، بی تا، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

۱۹. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷ش، لغتنامه‌ی دهخدا، تهران، مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چ ۲.

۲۰. دیماتئو، ام. رابین، ۱۳۷۸ش، روانشناسی سلامت به ضمیمه نگرشی بر منابع اسلامی، ترجمه سید مهدی موسوی اصل و همکاران، تهران، انتشارات سمت.

۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴ش، مفردات الفاظ قرآن، تهران، مرتضوی، چ ۲.

۲۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۳۷۹ش، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور، چ ۱.

۲۳. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۸۰ش، الجواهر السنیة فی الأحادیث القدسیة، ترجمه زین العابدین کاظمی خلخالی، تهران، انتشارات دهقان، چ ۳.

۲۴. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعة، تصحیح مؤسسه آل البيت (ع)، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چ ۱.

۲۵. طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۷۴ش، مشکاة الأنوار، ترجمه عزیز الله عطاردی قوچانی، تهران، عطارد، چ ۱.

۲۶. طریحی، فخر الدین بن محمد، ۱۳۷۵ش، مجمع البحرين، تصحیح احمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی، چ ۳.

۲۷. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۴ق، الأمالی، قم، دار الثقافة، چ ۱.

۲۸. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۷ق، تهذیب الأحکام، تصحیح حسن الموسوی خراسانی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چ ۴.

۲۹. عابدی داریونی، زینب؛ بشاش، لعیاء، ۱۳۹۲ش، «مقایسه‌ی ابعاد همدلی در دانش آموزان با و بدون کم توان ذهنی»، فصلنامه علمی پژوهشی روانشناسی افراد استثنائی، شماره ۱۰، صفحات ۹۳-۱۱۲، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.



۳۰. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، تفسیر نور الثقلین، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، چ ۴.

۳۱. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، ۱۴۰۶ق، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیر المؤمنین (ع)، چ ۱.

۳۲. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳ش، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، چ ۱۱.

۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۹ش، أصول الکافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، کتاب فروشی علمیه اسلامی، چ ۱.

۳۴. گل پرور، محسن؛ عریضی سامانی، سیدحمیدرضا و سعید مدنی قهفرخی، ۱۳۸۸ش، «نقش نگرش به رفاه اجتماعی در رابطه همدلی و گرایش اجتماعی با عدالت اجتماعی»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۳۲، صفحات ۱۶۲-۱۲۷، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی - گروه پژوهشی رفاه اجتماعی.

۳۵. لطافتی، رویا؛ زرینی، عاطفه، ۱۳۹۴ش، «همدلی الگوی رفتاری مؤثر در رابطه متقابل مدرس و زبان آموز»، فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای زبان، شماره ۲۲، صفحات ۲۵۲-۲۲۹، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

۳۶. لیشی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶ش، عیون الحکم و المواعظ، تصحیح حسین حسینی بیرجندی، قم، دار الحدیث، چ ۱.

۳۷. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، تصحیح جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۲.

۳۸. مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی، ۱۴۰۶ق، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، تصحیح حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاردی، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.

۳۹. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، تاج العروس من جواهر القاموس، تصحیح علی شیری، بیروت، دار الفکر، چ ۱.

۴۰. مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰ق، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، دار الکتب العلمیه - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، چ ۳.

۴۱. معین، محمد، ۱۳۸۴ش، فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات نامن.

۴۲. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چ ۱.



۴۳. نورانی پور، رحمت الله، ۱۳۷۸ش، «همدلی در مشاوره روان درمانی»، فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش های مشاوره، شماره ۳ و ۴، صفحات ۱۱-۲۶، تهران، انجمن مشاوره ایران.

۴۴. نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چ ۱.

۴۵. هراتیان، عباس علی؛ احمدی، محمد رضا، ۱۳۹۱ش، «رابطه حرمت خود بر همدلی در نوجوانان»، فصلنامه علمی پژوهشی روانشناسی و دین، شماره اول، صفحات ۱۶۴-۱۳۳، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

46. Famery, Sarah, 2007, Developper son empathie, Paris, Groupe Eyrolles.